

# خردادگان و مردادگان جشن‌های کمال و دوام

دکتر پرویز رحیمی

۱- مقدمه: در آیین زرتشت، خرداد و مرداد، امشاسپندان «کمال» و «دوام» در جهان مینوی و پرستاران آب و گیاه در جهان خاکی، همواره در کنار هم می‌آیند. علی‌رغم نقش این دو در قانون کمال و دوام در تکامل، و همچنین پرستاری از آب و گیاه، کم‌تر از هر امشاسپندی از آن‌ها یاد شده است. با توجه به اعتبار ویژه کمال در آیین زرتشت و با توجه به این‌که سرزمین ما روی هم رفته از نظر پوشش گیاهی و آب فقیر است و به اعتبار نتیجه مطالعات مربوط به آداب و عادات و سنن، که حاکی از توسل همیشگی ایرانیان، به خاطر آب و گیاه، به نیروهای مینوی و آسمانی است، این عدم توجه شگفت‌انگیز است. مگر این‌که بپذیریم، نیایش‌های مربوط به این دو امشاسپند بلندپایه از میان رفته باشند، که نگارنده بیشتر بر این عقیده است.<sup>۱</sup>

مطلب دیگری که در ماهیت معنوی این دو امشاسپند جلب توجه می‌کند، توجه زرتشت و زمان او - علی‌رغم آگاهی‌های ناچیز زمان از جدال ماده در طبیعت - به روندی تکاملی و بی‌وقفه است.

از این روی است، که باید کوشید، تا با خرداد و مرداد آشنایی بیشتری پیدا کرد!

۱. ما در این گزارش آگاهانه به جای «امرداد»، غلط مصطلح «مرداد» را به کار می‌بریم. زیرا تا جایی که مدارک موجود حکایت می‌کنند، بیشتر از هزار سال است (مثلاً در آثار الباقیه ابوریحان بیرونی از حدود آغاز قرن پنجم هجری)، که ایرانیان به «امرداد» و «مرداد» می‌گویند. پافشاری در ادای درست این واژه، پای بسیاری از واژه‌های دیگر را به میان می‌کشد، که برای درست ادا شدنشان هیچ رقم پافشاری نشده است. - صرف‌نظر از این‌که این واژه به حکم قانون تکامل زبان تغییر صورت داده است. در این قانون، خلاف قانون هم قانون‌مندی خاص خود را دارد!

۲. از خرداد دشت مقدار ناچیز و شکسته‌ای به دست ما رسیده است و یشتی به نام مرداد نمی‌شناسیم. همید به نظر می‌رسد، در حالی‌که همزاد مرداد یشتی ویژه خود دارد، برای مرداد یشتی تدوین نشده بوده باشد.

۲- **واژه‌های خرداد و مرداد:** خود واژه‌های خرداد و مرداد (= امرداد) به تنهایی حامل پیام‌های تاریخی بسیار ارزنده‌ای هستند. «خرداد» از ترکیب صفت اوستایی «هنوروه» *haurva*<sup>۲</sup> (= فارسی: «هر» *har*، مانند هرروز و هرچیز) و پسوند اسم مصدر مؤنث، «تات» *tāt*<sup>۳</sup> به معنای «کاملی»، «رسایی» و «سالمی» (= خدشه‌ناپذیری) تشکیل شده است. به این ترتیب «خرداد» در اوستایی «هنوروه‌تات» است.

و مرداد، که اوستایی آن «امرتات» *amərətāt*<sup>۵</sup> است، از سه جزء تشکیل شده است: «+مر+تات». جزء اول پیشوند نفی است، جزء دوم از ریشه مصدری «مر» *mar* به معنی «مرگ» است و جزء سوم همان پسوند «تات» است، که در بررسی «هنوروه‌تات» با آن آشنا شدیم. بنابراین «امرتات» (= امرداد = مرداد) یعنی بی‌مرگی (= نامیرایی = جاودانگی = دوام جاویدان).

۳- **خرداد و مرداد در گائاه‌ها:** علی‌رغم اشاره‌های مکرری که زرتشت در گائاه‌ها به امشاسپندان می‌کند و علی‌رغم نقشی که خرداد و مرداد، امشاسپندان کمال و دوام، در آیین زرتشت دارند، متأسفانه تنها یک‌بار به‌طور مستقیم به نام این دو امشاسپند اشاره می‌شود:

«دادخواهیم را که (به نزد شما) می‌آورم فراشناسید ای  
بهمن (و) درودم را از برای مانند شما کسانی ای  
مردا، ای اردی‌بهشت. و به سخنان ستایشم ارزانی دارید  
ای خرداد و امرداد بخشایش پایدارتان را»<sup>۶</sup>.

جز این یک‌بار، چندبار دیگر به واژه‌های خرداد و مرداد برمی‌خوریم، که معنای

۳. ایرانی باستان: سروه *sārva*، فارسی باستان: هرووه *haruva*، پهلوی: هرویسپ *harvisp* و فارسی: هر *har*.

۴. این پسوند هنوز در زبان‌های هند و اروپایی با تفاوت صوری ناچیزی باقی است: آلمانی: *-ität*، انگلیسی: *-ity*، فرانسوی: *-ité*، ایتالیایی: *-ita*، اسپانیایی: *-ita*، روسی *ni(h)* و *l(h)*. صورت روسی این پسوند با صورت فارسی نو (- ای، مثلاً در «خوبی») تفاوت چندانی ندارد. به این ترتیب، با توجه به این که «هنوروه» امروز «هر» تلفظ می‌شود، از خرداد معنایی مانند «هر (چیزی) = هری! = چیزی که چیزی کم ندارد و در حد کمال است» برداشت می‌شود.

۵. ایرانی باستان: *amrtatvá* از ریشه مصدری *mrtá* (مرگ)، پهلوی: *amurtāt* و لاتینی: *morior*.

۶. گائاه‌ها، ترجمه استاد پورداود، تهران ۱۳۵۴، یسنا ۳۳، بند ۸.

لغویشان، کمال و رسایی و دوام و نامیرایی و جاودانگی منظور نظر است.<sup>۷</sup>

البته می‌توان با توجه به این ناچیزی اشاره، به این نتیجه رسید، که خرداد و مرداد، نسبت به دیگر امشاسپندان، از اهمیت کمتری برخوردار بوده‌اند، با این همه نگارنده نمی‌تواند، قانع شود، که پیامبر ایران باستان به این دو امشاسپند تا این اندازه بی‌توجه بوده باشد. زیرا در هر حال برای مبلغ اشا (راستی در چرخش جهان، درستی، سامان، گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک و قابلیت شدن)، کمال معنوی، که حاصل اشا است، و دوام و تکامل، که به جاودانگی و نامیرایی تعبیر شده است، نمی‌تواند از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار نبوده باشد.

نگارنده بیشتر بر این گمان است، که نیایش‌های مربوط به خرداد و مرداد در روزگار حد فاصل زرتشت و زرتشتی‌گری در زمان ساسانیان از میان رفته‌اند. به عبارت دیگر ناچیزی اشاره به خرداد و مرداد، به خوبی می‌تواند اثبات فقدان قسمتهایی از سرودهای پیامبر باشد. اگر چنین باشد، حائز اهمیت است، که ببینیم، علل از میان رفتن سرودهای در ارتباط با خرداد و مرداد چه بوده است. آیا با توجه به این که فرمانروایان پس از زرتشت همواره از آیین او به نفع خود برداشت‌های مثبتی کرده‌اند و هر جا که لازم شده است تفسیری به میل خود پدید آورده‌اند، کمال و جاودانگی هستی (طبیعت) - به صورتی که خود پیامبر مطرح کرده است - به مذاق اشکانیان (کمتر) و ساسانیان (بیشتر) خوش نمی‌آمده است؟ یا واقعاً سرودهای مربوط به این دو امشاسپند - اگر وجود داشته‌اند - از میان رفته‌اند؟ این مسئله، مسئله پیچیده‌ای است و جا دارد در فرصتی مناسب مورد بحث قرار بگیرد.

در هر حال ما امروز از طریق ادبیات مزدیسنا برداشت مشخصی از نقش امشاسپند خرداد و امشاسپند مرداد داریم. چه شده است، که خرداد و مرداد - صرف نظر از این که به اعتبار معنایشان - امشاسپندان کمال و دوام‌اند - پرستار و نگهدار آب و گیاه بر روی زمین شناخته شده‌اند؟ و چه شده است، که خرداد در برابر ایزدان توانایی مانند تیر و آناهیتا، که هر دو موکل آب‌اند، قد علم کرده است؟ آیا در این جا با کشاکشی میان دو قطب، پیروان زرتشت و هواداران زرتشتی‌گری، سروکار نداریم؟

در حالی که ناهید به اندازه همه آب‌های جاری بزرگ است و هزار دریاچه دارد و هزار رود و هر کدام از دریاچه‌ها و رودها به بلندی چهل روز راه مرد سوار تندرو است

---

۷. نگاه کنید به یسنا ۳۴، بند ۱ و ۱۱، یسنا ۴۵، بند ۵ و ۱۰، یسنا ۴۷، بند ۶،

یسنا ۵۱، بند ۷.

و هر کدام از این رودها سراسر هفت کشور روی زمین را سیراب می‌کنند، در بن دهشن چون آب از آن خرداد است و چون هستی، زایش و پرورش همه استومندان جهان از آب است و آبادانی زمین از اوست، بنابراین خرداد سرور سال‌ها و ماه‌ها و روزها است.<sup>۸</sup> و به اعتبار خرداد، بیشتر رویدادهای تعیین‌کننده، در خرداد روز ماه فروردین صورت می‌گیرد.<sup>۹</sup>

با توجه به روایات گزارش‌های زاد اسپرم و بن‌دهشن درباره مرداد هم عدم توجه زرتشت در گائاه‌ها به خرداد و مرداد غیر قابل تصور به نظر می‌آید. به رحال نویسندگان این دو اثر، هر اندازه هم که خوش پروازی کرده بوده باشند، نمی‌توانند، به کلی عاری از هر نوع ارتباط بامبدأ و کاملاً ابتدا به ساکن، هستی گیاهان هزار سرده را ناشی از امشاسپند مرداد بدانند.

نظر به نساچیزی منابع مربوط به امشاسپند مرداد مطالب این دو اثر عیناً نقل می‌شود:

«چون آن گیاه (نخستین) بخشکید، امرداد - که گیاه نماد جهانی او است - او را برگرفت و خرد نرم بکرد و با آب باران تیشتری بیامیخت. پس از باران (بر) همه زمین رستنی‌ها پیدا آمدند. يك هزار سرده (= نوع) مایه‌ور بودند و ده (= متن: يك صد) هزار سرده با سرده اندر سرده (از آن) آن گونه رستند، که از هر گونه و آیینی (= شکلی) بود. (امرداد) آن ده هزار سرده را به باز پس داشتن ده هزار (= متن: يك هزار) بیماری آرامت.

پس (امرداد) آن ده هزار (= متن: يك صد هزار) سرده گیاه تخم برگرفت. از همی (= اتفاق، اجتماع) تخمان، درخت همه تخمه را میان دریای فراخکرد بیافرید، که از او همه سرده گیاهان همی رویند و سیمرخ آشیان براو دارد. هنگامی که فراز پرواز کند، آن گاه تخم خشک آن (درخت) به آب افتند و باران باز بر زمین باریده شود. به نزدیکی آن درخت، هوم سپید را بیافرید، که دشمن پیری، زنده گر مردگان و انوشه گر (= جاودان سازنده) زندگان است»<sup>۱۰</sup>.

۸. درباره حاکمیت آنهایتا بر آب، نگاه کنید به: آبانگان، پرویز رجبی، چیستا، شماره ۳، آبان ماه ۱۳۶۰.

۹. اساطیر ایران، مهرداد بهار، تهران ۱۳۵۲، صفحه ۵۶.

۱۰. نگاه کنید به: ماه فروردین روز خرداد، ترجمه صادق کیا، ایران کدوده، شماره ۱۶ (چاپ دوم)، تهران ۱۳۳۵/۱ نوروز، جشن‌های فروردین و فروردینگان، پرویز رجبی، چیستا، شماره ۸، فروردین ۱۳۶۱.

۱۱. اساطیر ایران، مهرداد بهار، صفحه ۲۷ (ترجمه قسمتی از گزیده‌های زاد اسپرم).

«امرداد بی‌مرگ سرور گیاهان بشمار است. زیرا او را به گیتی گیاه خویش است. گیاهان را رویاند و رمه گوسفندان را افزایشد. زیرا همه دام‌ها از او خورند و زیست کنند»<sup>۱۲</sup>.

هرچه هست، برخلاف دیگر امشاسپندان، نقش خرداد و مرداد در جهان مینوی و جهان مادی بسیار حساس و جالب توجه است. در این جا حساس‌ترین «طبیعت» های جهان هستی (طبیعت) مطرح است. آب و گیاه. و به کمک این دو، که ادامه حیات را برای انسان ممکن می‌سازند، حرکت بی‌وقفه به سوی کمال. آیا زرتشت می‌توانسته است بدون توجه به این روند ناشی از منطق طبیعت، دو تن از مهین یاوران اهورمزدا را (یاور) کمال و (یاور) دوام (بی‌وقفه) بنامد؟

۴- آیا هاروت و ماروت با خرداد و مرداد هم ریشه هستند؟ بعضی از دانشمندان هاروت و ماروت را با خرداد و مرداد ایرانی هم ریشه دانسته‌اند<sup>۱۳</sup>.

متأسفانه هیچ کدام از دانشمندانی که از ارتباط میان هاروت و ماروت با خرداد و مرداد (هئوروه تات و امرتات) یاد کرده‌اند، به هیچ منبع موثق قابل اتکائی اشاره نکرده‌اند و نوشته‌اند، که چگونه دو امشاسپند مؤنث و قدیس آیین زرتشت به دو بزهکار مذکر سوره بقره (آیه ۱۰۲) تبدیل شده‌اند. البته در جهان اساطیر، بسیار اتفاق افتاده است، که قهرمانان اساطیری به هنگام کوچ به قلمروهای فرهنگی دیگر تغییر هویت داده‌اند، ولی ما در هرحال، در هر مورد، برای اثبات پیوندها، دلائلی کافی در دست داریم و چنین نیست، که تنها به شباهت صوری نام شخصیت‌های افسانه‌ای قناعت بکنیم.

تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، قدیمی‌ترین سندی که در آن نوعی ارتباط میان هاروت و ماروت جهان سامی با بابل و دماوند ایران به چشم می‌خورد، ترجمه تفسیر طبری است<sup>۱۴</sup>. طبری در تفسیر خود اشاره‌ای به خرداد و مرداد نمی‌کند، اما از گزارش

۱۲. همان‌جا، صفحه ۵۷ (ترجمه قسمتی از بن‌دهشن).

۱۳. از آن جمله دکتر بهرام فره‌وشی در فرهنگ پهلوی، تهران ۱۳۴۶ و آقای احمد اقتداری در «دیوارشهریاران»، جلد اول، تهران ۱۳۵۴، صفحه‌های ۹۰۳، ۹۹۵، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳.

۱۴. «گویند هاروت و ماروت دو فریشته بودند، و اندر خواستند از خدای عزوجل که: ما را ملکیت زمین ده، تا به جهان درداد کنیم، و بر روی زمین هیچ گناه نکنیم که این فرزندان آدم بر روی زمین گناه می‌کنند. خدای عزوجل ایشان را گفت که: من شهوتی در تن ایشان مرکب کرده‌ام که اگر آن شهوت اندر تن شما باشد شما خویشتن را نگاه نتوانی داشتن، و اندر زمین عاصی گردید. این دو فریشته گفتند که ما بدان شهوت تن خویشتن نگاه داریم،

او چنین برمی آید، که در هر حال در زمان طبری در ایران افسانه‌ای وجود داشته است، که به موجب آن هاروت و ماروت، پس از تمرد، به فرمان خدا در چاهی در بابل در نزدیکی کوه دماوند زندانی هستند «و از تشنگی [خرداد امشاسپند حاکم بر آب‌ها است] زبان ایشان به در افتاده است. از دهان ایشان تا سرآب يك تيغ شمشیر است و به آب

→

و اندر تو عاصی نگردیم، و اگر عاصی گردیم مسا را عقوبت فرمای. پس خدای عزوجل شہوت اندر تن این دو فریخته مرکب گردانید، و ملکیت زمین بدیشان داد، و ایشان را بدزمین فرستاد.

و چون به زمین آمدند، زنی را دیدند سخت نیکو روی. و هاروت و ماروت هر دو پرو فتنه شد [ند]، و مرآن زن را به خویشتن خواندند، و آن زن فرمان ایشان نکرد، و سه چیز پیش ایشان بنهاد، گفت: اگر خواهید که من فرمان شما کنم مرین کودک بی گناه را بکشید، یا این قرآن کلام خدای را بسوزانید، یا این می مست کهنده باز خورید. ایشان از آن هر سه، می خوردن اختیار کردند. گفتند که: کودک بی گناه نتوانیم کشتن و خونی به ناحق بریختن، و کلام خدای عزوجل هم بنسوانیم سوختن. این می باز خوریم و بعد از آن توبتی بکنیم.

و پس می باز خوردند، و چون باز خوردند و مست شدند، کودک را بکشند، و کلام خدای را بسوختند. پس این زن را گفتند که: ما هر سه فرمان تو کردیم، اکنون تو نیز فرمان ما کن. آن زن گفت که: نام مهین خدای عزوجل که بدان نام به زمین می آید و باز به آسمان روید، به من آموزی تا من فرمان شما کنم. ایشان نام مهین خدای عزوجل که بدان نام به زمین می آمدند و باز به آسمان می رفتند، او را در آموختند. و چون آن نام بدو آموخته بودند، آن زن خدای عزوجل را بدان نام بخواند و به آسمان رفت، و کار او با خدای عزوجل اوفتاد، و فرمان ایشان نبرد، و گرد ایشان نگردید.

پس خدای عزوجل هاروت و ماروت را گفت که: من شما را گفتم و فرمان نبردید. اکنون عذاب این جهان دوست تر دارید یا عذاب آن جهان؟ ایشان عذاب این جهان برگزیدند، که عذاب این جهان به سر آید، و هر چه بدان جهان باشد ثواب و عقاب جاوید باشد و هیچ به سر نیاید.

پس خدای عزوجل ایشان را بدبابل به کوه دماوند در زیر زمین به چاهی اندر عذاب همی کند، و ایشان را نگون سار اندر آن چاه آویخته اند، و از تشنگی زبان ایشان به در افتاده است، از دهان ایشان تا سرآب يك تيغ شمشیر است و به آب نمی توانند رسانید. و تا روز قیامت که دنیا به سر آید ایشان بدین عذاب اندراند. و خلق هر کس که راه داند بدان می رود.»

(ترجمه تفسیر طبری، به اهتمام حبیب یغمائی، تهران ۱۳۵۶، جلد اول، صفحه

۹۶ و ۹۷).

نمی‌توانند رسانید».

از سوی دیگر در ریگ ودای هندوان نیز، که پیوندهای عمیقی با اساطیر ایرانی دارد، ماروت، خدای توفان، خدای باد، فرزند آسمان و دریا است.

کمک دیگر، وجود پسوند «توت» *tut*، در کنار پسوند «تات» *tat*، برای ساختن اسم مصدر در اوستایی است.

در هر حال اثبات وجود ارتباط میان هاروت و ماروت با خرداد و مرداد نیاز به یک بررسی همه‌جانبه و جمع‌آوری مدارک کافی از قلمروهای فرهنگ ریگ ودائی، ایرانی، ارمنی و سامی دارد. نگارنده در این فرصت از خوانندگان محترم چپستا تقاضا دارد، در صورت دستیابی به این قبیل مدارک، از شناساندن آن به نگارنده دریغ نفرمائید.

#### ۵- جشن‌های خردادگان و مردادگان: متأسفانه اطلاعات ما درباره جشن‌های

خردادگان و مردادگان بسیار ناچیز است. گردیزی در زین‌الخبار تنها به اشاره به نام این دو جشن قناعت کرده است و ابوریحان در آثارالباقیه می‌نویسد: «خرداد ماه، روز ششم آن روز خرداد است و آن عیدی است، که به واسطه اتفاق دو نام، خردادگان نام دارد و معنای آن ثبات خلق است و خرداد ملکی (فرشته‌ای) است، که به تربیت خلق و اشجار و نبات و ازالۀ پلیدی از آب‌ها موکل است»<sup>۱۵</sup>. از همین مؤلف درباره مردادگان می‌خوانیم: «مردادماه، روز هفتم آن روز مرداد است و آن روز را عید می‌گیرند و به واسطه توافق دو نام مردادگان گویند و معنای مرداد آن است، که مرگ و نیستی نداشته باشد و مرداد فرشته‌ای است، که به حفظ گیتی و اقامۀ غذاها و دواهایی که اصل آن نبات است و مزیل جوع و ضرر و امراض هستند موکل است»<sup>۱۶</sup>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۵. آثارالباقیه، ترجمۀ اکبر داناسرشت، تهران ۱۳۵۲، صفحه ۲۸۶ به بعد.

۱۶. همان‌جا، صفحه ۲۸۹.